

نگاهی به اقتصاد

در سرمقاله شماره گذشته ویژگیهای بودجه سال ۱۳۷۲ به اجمال مورد بحث قرار گرفت و گفته شد که حذف بودجه ارزی و حرکت جدی به سمت یکسان سازی نرخ ارز، متبلور شدن ارقام واقعی درآمدها و هزینهها، تعادل بودجه و بالاخره فراهم آمدن امکانات لازم برای نظارت بیشتر مجلس بر عملکرد مالی شرکتهای دولتی از مشخصات بارز قانون بودجه سال ۱۳۷۲ است.

اکنون که چند ماهی از شروع به عملیات اجرایی این بودجه سپری گردیده است، جای دارد اثرات اولیه آنرا تا آنجا که اطلاعات موجود کفافی دهد بررسی نموده و نگاهی کلی بر اوضاع اقتصادی کشور در این دوره داشته باشیم.

بطور کلی همانگونه که قبلاً نیز گفتیم عمده ترین هدف از یکسان سازی نرخ ارز و برقراری نرخ تعادلی برای آن، رفع اختلالات اقتصادی ناشی از چندگانگی و غیر واقعی بودن نرخ ارز بود و انتظار می رفت که با این اقدام اولاً تولیدکنندگان علائم صحیح اقتصادی را در مسورد اینکچه چه کالائی را تولید کنند و در چه زمینه هائی سرمایه گذاری نمود و کدام تکنولوژی را انتخاب کنند دریافت دارند و عدم کارآئیها و همچنین سرمایه گذاریهای ناموجه نتواند خود را در پيس نرخهای

سوبسیدی ارز پنهان دارد. ثانیاً مصرف کنندگان نیز میتوانند با دریافت علامت صحیح ساختار مصرف خود را منطبق با امکانات واقعی اقتصاد کشور تنظیم نمایند و ثالثاً تولیدات داخلی قدرت رقابت بیشتری را با کالاهای وارداتی بدست آورده و استفاده از تولیدات داخلی تشویق گردد و در ابعاموجبات گسترش صادرات غیرنفتی که برای اجرای برنامه های اقتصادی کشور ضرورتی بسیار حیاتی برخوردار است، فراهم شود.

ازسوی دیگر یکی از نتایج بسیار مهم یکسان سازی نرخ ارز و فروش ارز حاصل از صادرات نفت به نرخ تعادلی، کسب درآمد واقعی برای دولت و تامین تعادل بودجه است. بعبارت دیگر با اجرای این سیاست درآمدهای ناشی از تفاوت نرخ ارز که قبلاً نصیب تعداد معدودی از افراد جامعه می شد، عملاً عاید دولت گردیده و می تواند به مصرف اجرای طرحهای عمرانی در جهت سازندگی و آبادانی کشور، ایجاد اشتغال و همچنین بهبود وضعیت آموزش و بهداشت و بالاخره رفاه کارکنان دولت برسد.

بدین ترتیب با توزیع مجدد این منابع اکثریت عظیمی از جامعه از آن برخوردار گردیده و توزیع درآمد ها عادلانه تر شود.

یکی دیگر از نتایج ضمنی تخصیص منابع ارزی بانرخ تعادلی کمک به تامین تعادل در موازنه پرداختها و فراهم آمدن امکانات صرفه جویی ارزی است که با توجه به کمیابی ارز در کشور از اهمیت حیاتی برخوردار است. البته این هدف در صورتی تحقق خواهد یافت که در تخصیص منابع ریالی نیز انضباط کامل برقرار باشد و بویژه منابع ریالی بودجه دولت به ترتیبی تخصیص داده شود که تقاضا برای ارز تحت کنترل قرارگیرد. با توجه به این ضرورت در قانون بودجه سال ۱۳۷۲ مکانیزمی تعبیه شده است که هدف فوق را تحقق می بخشد. بدین معنی که بهنگام تنظیم بودجه، اعتبارات ریالی تخصیص داده شده به دستگاههای دولتی برای تامین هزینه های ارزی آنها بانرخ هر دلار برابر

یکهزارریال محاسبه و منظور گردیده و به موازات آن در تبصره ۲۲ این قانون ردیف مشخصی تعیین شده است که بخشی از تفاوت های میان نرخ یکهزارریالی و نرخ تعادلی ارزش برای مصارفی که با پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیات وزیران می رسد را پوشش می دهد. با این مکانیزم تقاضای بخش دولتی برای ارزش با عبور از فیلتر تعیین شده تحت بررسی دقیق قرار گرفته و قابل کنترل خواهد بود. در مورد بخش غیردولتی نیز کنترل تقاضا برای ارزش طبعاً از طریق مکانیزمهای سیاستهای پولی امکان پذیر است که بعداً در مورد آن بحث خواهد شد.

با این ویژگیها، طرح یکسان سازی نرخ ارزش عملی با شروع به اجرای قانون بودجه سال ۱۳۷۲ از ابتدای این سال به مورد اجرا گذارده شد. در شروع سال، در برخی از دست اندرکاران این نگرانی وجود داشت که بلافاصله پس از اعلام رسمی نرخ واحد ارزش، بازار ارزی خارج از شبکه واکنش شدیدی نشان داده و نرخ آن بشدت نوسان کند اما عملاً چنین اتفاقی نیفتاد و بازار ارزی با آرامش کامل بسایر این تصمیم مواجه شد. اهم دلایل این وضعیت را می توان در عوامل ذیل خلاصه کرد:

۱ - بخلاف بسیاری از کشورهای دیگر که اینگونه تصمیمات را یک شبه اتخاذ و اجرا می نمایند در کشور ما اجرای سیاستهای یکسان سازی نرخ ارزش به صورت کامل تدریجی انجام گرفته است. بدین معنی که از چند سال پیش بابرقراری سه نوع نرخ ارزش و انتقال تدریجی بخشی از مصارف ارزی از نرخهای پائین به نرخهای بالا عملاً بخش عمده ای از این سیاستها اجرا گردیده و مرحله آخر آن در واقع بخش چندانی عمده ای از طرح را تشکیل نمی داد. بویژه آنکه این مرحله عمدتاً مصارف ارزی بخش دولتی را شامل می شد و قسمت عمده ای از مصارف بخش غیردولتی عملاً در دوره های قبل مشمول ارزش شناور گردیده بود. بعلاوه با توجه به بحثها و تحلیل های مفصلی که در طول سال ۱۳۷۱ و بویژه پس از تنظیم لایحه بودجه در تمامی رسانه های گروهی ارائه شد، آمادگی های لازم در عوامل اقتصادی

برای مقابله با آثار ناشی از اجرای این طرح فراهم گردید .

۲ - انتخاب نرخ صحیح نیز یکی دیگر از عواملی بود که از نوسان بازار ارزی جلوگیری کرد .

بطور کلی تصمیم گیری در مورد نرخ واحد ارزی از حساسترین مراحل اجرای سیاستهای یکسان سازی نرخ ارز است . البته معمولاً در اینگونه موارد نرخهای رایج در بازاری می تواند شاخص مناسبی برای راهنمایی مسئولین باشد . انتخاب نرخی بالاتر از این نرخ به سبب غیر واقعی بودن و دامن زدن بر انتظارات مردم ، به صلاح نبوده و نرخهای پائین تر از این نرخ نیز بخاطر صد ماتی که به انگیزه های صاد راتی می زند قابل انتخاب نیست . بعلاوه حمایت از نرخهای پائین مستلزم به مصرف رساندن بخشی از ذخایر ارزی بانک مرکزی است که در شرایط محدودیت امکانات ارزی بهیچوجه قابل تحمل نمی باشد . بهمین جهت پس از بررسیهای لازم تصمیم گرفته شد که نرخ واحد ارز در حدودی بسیار نزدیک به نرخ بازار تعیین گردد . این نرخ که در تاریخ هفتم فروردین ماه اعلام گردید در واقع ادامه نرخ شناور قبلی بود و با نرخ بازار آزاد فقط ۳ درصد فاصله داشت .

۳ - سومین عامل در ثبات بازار ارزی طی چند ماه اول سال جاری سیاستهای پولی بود که از

شماره ابتدای سال به مورد اجرا گذارده شد . در این مورد با توجه به خطراتی که گسترش بی رویه حجم پول و نقدینگی در چنین شرایطی بدنبال دارد ، در تنظیم سیاستهای پولی سال ۱۳۷۲ ضرورت اعمال کنترل های لازم بر نقدینگی مورد توجه بوده و از ابتدای سال کوشش شد تا با کنترل پایه پولی از رشد نامتناسب نقدینگی جلوگیری شود . البته عوامل دیگری نظیر دخالتهای محدود بانک مرکزی در بازارها از طریق فروشهای نقدی ارز برای مصارف متعارف خدماتی و با مال جذب نقدینگی نیز به سهم خود در جلوگیری از نوسانات بازار ارزی و افزایش نرخ ارز در این بازار موثر بوده است .

بررسی روند نرخ ارز در بازار ارزی خارج از شبکه بانکی نشان می دهد که این نرخ طی پنج

ماه اول سال نوسان فوق العاده اندکی داشته است. این نرخ از ۱۵۹۶ ریال برای هرد لارد راولین روزگشایش بازارهای ارزی (هفتم فروردین) آغاز شده و پس از پش نسبتا محدودی که تنها در سه روز بیست و دو تابست و چهارم فروردین ماه داشته و به بالای ۱۷۰۰ ریال رسیده است از تاریخ ۲۵ فروردین روندی نزولی آغاز کرده و در اواخر فروردین تقریبا بر نرخ رسمی اعلام شده توسط بانک مرکزی منطبق گردیده است از آن پس نیز به پیروی از روند نرخ رسمی، روند کاهشی ملایمی داشته است بطوریکه هم اکنون پس از گذشت بیش از پنج ماه نرخ ارز در سطح رقم ابتدای سال قرار دارد. نکته بسیار مهم اینکه بازار ارزی خارج از شبکه سیستم بانکی از اواخر فروردین ماه تحت کنترل بانک مرکزی قرار گرفته و نرخ ارز در این بازار به خلاف گذشته کاملا از نرخهای رسمی اعلام شده تبعیت نموده است.

بی تردید ادامه این ثبات مستلزم ادامه سیاستهای جنبی و تکمیلی و بویژه سیاستهای مناسب پولی است. در این زمینه همانگونه که قبلا نیز ذکر گردید، در شرایط اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی و بویژه اصلاح نرخ ارز و قیمتها سیاستهای پولی می تواند نقش اصلی را در هدایت حرکات اقتصادی و جلوگیری از عوارض جنبی سیاستهای تعدیل اقتصادی از جمله تورم، بالا رفتن نرخ ارز، کسری موازنه پرداختها و تحلیل ذخایر ارزی کشور داشته باشد.

با اصلاح نرخ ارز طبیعی است که تقاضا برای نقدینگی به منظور گشایش اعتبارات اسنادی افزایش می یابد و بینگاههای اقتصادی که متاسفانه در حال حاضر عموما از پس اندازهای داخل بنگاه خود تهی بوده و وقادربه تجهیز منابع از بازارهای پولی و سرمایه ای خارج از سیستم بانکی هم نیستند، بانکها را تحت فشار قرار می دهند. در چنین شرایطی اگر اجازه داده شود که تمامی این تقاضاها از طریق تسهیلات سیستم بانکی تامین و تفاوت های ریالی ناشی از تغییر نرخ ارز کلا جبران گردد، نه تنها

صرفه جوئیهای مورد انتظار از سیاستهای یکسان سازی نرخ ارزی کلی منفی خواهد بود بلکه اقتصاد کشور در یک دورباطل تورمی گرفتار آمد و تجربه تلخ کشورهایی که چنین راهی را پیموده اند در کشور ماکتور خواهد شد .

البته اعمال کنترل بر نقد ینگی بهیچوجه به مفهوم اتخاذ یک سیاست انقباضی نیست و هرگز در نظر نبوده است که یک سیاست محدود کننده شدیدا در مورد تسهیلات سیستم بانکی اعمال شود . در سیاستهای پولی سال ۱۳۷۲ هدف رشد نقد ینگی معادل ۲۵ درصد تعیین گردیده است که در آن گسترش تسهیلات بانکی به میزانی که بتواند نیازهای بخشهای تولیدی را در حد متعارف و قابل قبول تامین کند و در عین حال لطمه شدیدی بر ثبات اقتصاد و تعداد لهای داخلی و خارجی کشور وارد نیابد ، ملحوظ نظر بوده است . بایک چنین رشدی در نقد ینگی ، واحد های تولیدی کارآمد و موسساتی که به سهولت قادر به تطبیق خود با شرایط جدید هستند ، دسترسی کافی به منابع مالی خواهند داشت و با مشکل عمده ای از نظر کمبود نقد ینگی مواجه نخواهند بود لکن موسسات غیر کارآمد که در چارمشکلات ساختاری بوده و عدم کارآئی آنها تاکنون در پس ارزشهای سوئید و سایر امتیازات پنهان مانده است ، طبیعتا در چارمشکل خواهند بود . براساس تجربه چند ماهه اول سال جاری اینگونه موسسات که بدلیل مختلف از جمله نازل بودن کیفیت کالا یا بالابودن قیمت تمام شده کالاهایشان قادر به رقابت در بازار نبودند و با حجم عظیمی از کالاهای به فروش نرفته مواجه گردیده اند ، در چارمشکل کمبود نقد ینگی شده اند . کارخانه های زیادی هستند که از ضعف مدیریت ، ضعف تکنولوژی ، زیادی تعداد کارکنان ، فرسودگی و استهلاک ماشین آلات و ۰۰۰۰ رنج میبرند که ریشه این مشکلات به چند دهه قبل برمیگردد اما بهر صورت کارآ نیستند و لذا مسایل ساختاری آنها در نیازهای آنها به منابع مالی انعکاس یافته است . این در حالی است که براساس آخرین آمار موجود در چهار ماهه

اول سال جاری حجم تسهیلات بانکها به بخش غیردولتی از افزایش بسیار شدیدی به میزان ۳۰۵۴ میلیارد ریال یا ۱۲/۹ درصد برخوردار بود و مانده آن به ۲۶۶۴۴ میلیارد ریال در پایان تیرماه رسیده است. این میزان افزایش بیش از ۲ برابر رقم مشابه در چهارماهه اول سال ۱۳۷۱ (۱۴۴۷ میلیارد ریال) است. طی همین مدت به حجم سپرده های اشخاص نزد بانکها حدود ۳۱۰۰ میلیارد ریال افزوده گردیده و بطوریکه ملاحظه می شود بانکها تمامی آنچه را که به عنوان منابع سپرده ای جمع آوری کرده اند به مصرف اعطای تسهیلات رسانده اند. لازم به ذکر است که این میزان رشد تسهیلات بانکی بیش از ارقام پیش بینی شده در رابطه ای سال بود و در صورت ادامه این روند کنترل نقدینگی بامشکل مواجه خواهد بود. بررسی روند نقدینگی در چهارماهه اول سال جاری حاکی است که علیرغم کنترل نقدینگی در یکی دو ماهه اول سال، رشد نقدینگی از خرداد ماه به بعد روبه افزایش نهاد و چنانچه همین روند ادامه دهد مشکل بتوان رشد آنرا در حد ۲۵ درصد تعیین شده به عنوان هدف سیاست پولی محدود نمود.

رشد نقدینگی در هرماه نسبت به ماه قبل

(درصد)

سال	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	چهارماهه
۱۳۷۱	- ۱/۲	۱/۲	۱/۸	۲/۸	۴/۷
۱۳۷۲	- ۲/۳	۱/۵	۳/۴	۴/۳	۶/۹

ادامه رشد نقدینگی باروند فوق، خطرات عظیمی را برای اقتصاد کشورید نبال خواهد داشت

که عمدتاً ترین آن ابتلا به یک تورم لجام گسیخته است که باتوجه به شرایط خاص اقتصاد ایران ،
 به مراتب زیانبارتر از سایر عوارض اقتصاد است . سهم بالای حقوق بگیران و صاحبان درآمد های ثابت
 در اشتغال ، چسبندگی درآمدها بعلمت عدم استفاده از روشهای شاخص بندی و فقدان یک نظام
 تامین اجتماعی مناسب برای حمایت از اقشار آسیب پذیر در مجموع شرایطی را بوجود آورده است که
 با افزایش نرخ تورم توزیع درآمدها عادلانه تر شده ، طبقه متوسط از میان رفته و طبقات پائین تحت
 فشار شدید قرار می گیرند .

بررسی روند تغییرات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نشان می دهد که طی پنج ماهه
 اول سال جاری این شاخص روند صعودی داشته است .

تغییرات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نسبت به ماه مشابه سال قبل

(درصد)

سال	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	متوسط پنج ماهه
۱۳۷۱	۲۸/۲	۲۴/۳	۲۶/۰	۲۳/۸	۲۱/۵	۲۴/۷
۱۳۷۲	۱۵/۷	۱۸/۲	۱۸/۸	۱۹/۶	۲۲/۶	۱۹/۰

ادامه روند فزاینده شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به ترتیب فوق قطعاً موجب تورمی
 خارج از تحمل اقتصاد ایران را فراهم خواهد آورد و این وضعیت اقدامات همه جانبه ای را برای توقف
 روند فوق طلب می نماید .

در این مورد همانگونه که قبلاً نیز ذکر گردید موثرترین اقدامات توسل به سیاستهای پولی

و اعمال کنترل قوی تر بر رشد نقد ینگی است، هر چند که با این سیاست‌ها معدود از یننگاه‌های اقتصادی ضعیف د چار مشکل کمبود نقد ینگی خواهند شد.

د تحلیل نهایی لازم به ذکر است که با توجه به اطلاعات موجود د مورد ماه‌های اولیه سال جاری، طرح یکسان سازی نرخ ارز که یکی از مهمترین مراحل برنامه های تعدیل اقتصاد ی است بدون آنکه نوسانی راد ر بازار ارزی بوجود آورد از ابتدا ای سال جاری به مورد اجراء گذارد ه شد. با اجرای این طرح مشکلات ساختاری برخی از یننگاه‌های اقتصاد ی غیرکارآمد متبلور گردید و فشار شدید تقاضا برای تسهیلات موجب رشد فزاینده نقد ینگی شد. این وضعیت با توجه به روند فزاینده قیمت‌ها ضرورت اتکاء پیش از ین به سیاست‌های پولی را مطرح نمود و ایجاب می نماید که علیرغم مشکلات محدودی که کمبود نقد ینگی برای برخی از واحدهای اقتصاد ی بوجود می آورد، با استفاده از کلیه ابزارهای سیاست‌های پولی، نقد ینگی جامعه تحت کنترل کامل قرار گیرد. البته باید این کنترل در حدی باشد که محدودیتی را برای رشد اقتصاد ی فراهم نیاورد. رشد اقتصاد ی سال جاری با توجه به فروض مختلف بین ۳ تا ۵ درصد پیش بینی شده است که د صورت حصول، رشد قابل توجهی د سطح جهانی خواهد بود. رشد اقتصاد ی سال ۱۳۷۱ نیز ۶/۳ درصد برآورد گردیده است و بدین ترتیب با توجه به عملکرد سالهای ۷۰-۶۸ متوسط رشد اقتصاد ی در طول چهار سال برنامه به ۸ درصد رسال خواهد رسید که کاملاً منطبق با اهداف برنامه پنج ساله اول است. عملکرد بخش واقعی اقتصاد در سال ۱۳۷۱ راد ر مباحث بعدی همین شماره ملاحظه خواهند فرمود.